

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۸۹-۱۲۴

تأثیر خشکسالی بر فرآیند زندگی عشایری طایفه طاهری در

حوزه شهرستان طبس

جلال سالم*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۸/۶

چکیده

نظام تولیدی و زندگی اجتماعی عشایر با چالش‌ها و مشکلات فراوان روبه‌روست که پدیده خشکسالی از آن جمله است. برای شناخت موانع توسعه و مشکلات اقتصادی-اجتماعی ناشی از وقوع خشکسالی طی سال‌های گذشته در محدوده قشلاق و تأثیر آن بر زندگی عشایر طایفه طاهری شهرستان طبس و نیز ارائه راه‌حل برای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی این جامعه، در ۱۳۸۵، تحقیقی در این زمینه صورت گرفت. روش تحقیق به صورت مطالعات میدانی با اتکا به نمونه‌گیری، و همچنین، استفاده از آمار و اطلاعات به‌دست آمده از سرشماری‌های عشایر کوچنده طی سال‌های گذشته بود. بر اساس نتایج تحقیق، وقوع خشکسالی تأثیرات شدید اقتصادی و اجتماعی بر جامعه مورد مطالعه داشته و باعث کندی روند توسعه شده است. کاهش میانگین تعداد دام هر خانوار، کاهش شدید تعداد دام‌های سنگین، تغییر شدید نسبت دام‌های سبک، کاهش شدید میانگین وزن دام‌ها، کاهش تولیدات صنایع دستی و سرانجام، کاهش تولید و میانگین درآمد هر خانوار نسبت به دوره پیش از

* کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان یزد
(jalal.salem@yahoo.com)

خشکسالی از مهم‌ترین تأثیرات اقتصادی خشکسالی بوده است. همچنین، از مهم‌ترین تأثیرات اجتماعی خشکسالی، می‌توان کاهش جمعیت این طایفه و وقوع مهاجرت به‌ویژه مهاجرت‌های فصلی و موقت را یادآور شد. از دیگر تأثیرات منفی خشکسالی، تخریب مراتع و کاهش مقدار و کیفیت علوفه تولیدی بوده است.

کلیدواژه‌ها: خشکسالی / عشایر / طاهری (طایفه) / طبس (شهرستان) / یزد (استان)

* * *

مقدمه

جامعه عشایر، با فعالیت‌های اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز شیوه سکونت خاص خود، بخشی از جمعیت است که با پیوند سازمان‌یافته عشیره‌ای (هم‌تباری)، بر اساس معیشت شبانی (دامپروری)، کوچ‌نشین و چادرنشین به‌شمار می‌رود. عشایر برای بهره‌گیری از مراتع و امکانات زندگی از مکانی به مکان دیگر کوچ می‌کنند و به‌شیوه سنتی به دامداری می‌پردازند. جامعه عشایری واقعیتی اجتماعی و بخشی از ساختار تاریخی و فرهنگی کشور و نیز عضوی پرکار در پیکره جامعه ملی است، به‌گونه‌ای که به‌رغم جمعیت کمتر عشایر نسبت به جمعیت شهرنشینان و روستائیان، تأثیر اقتصادی و اجتماعی و نیز نقش دفاعی و امنیتی آن انکارناپذیر است. بی‌گمان، جامعه عشایری از میراث‌های گران‌قدر ایران‌زمین است که در تهیه مواد پروتئینی و به‌ویژه گوشت قرمز، چندین برابر نسبت جمعیتی خود (بیش از ده برابر) نقش دارد (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴). به‌دنبال تحولات اقتصادی-اجتماعی دهه گذشته در ایران، نظام عشایری کشور دستخوش دگرگونی‌های فراوان شده است. عشایر، طی هزاران سال، با شناخت کامل عوامل محیطی وابسته به رشد گیاهی و روابط دوسویه محیط با اجزای زنده آن و با اتکا به فرآیند کوچ‌روی، از منابع طبیعی بهره‌برداری کرده‌اند. کوچ از دیدگاه بوم‌شناختی با فرآیندهای تواتری مراحل رشد گیاهی ارتباط دارد و عشایر حرکت خود را هم‌راستا با مراحل طبیعی رشد گیاهان استوار می‌کنند. عشایر طبیعت را می‌شناسند؛ و نه تنها با طبیعت در ستیز نیستند بلکه با

آن به صورت پویا هماهنگی دارند (نجفی، ۱۳۸۳). از نظر اقتصادی، در آمد عشایر به دام و دامداری و به‌ویژه پرورش گوسفند و بز وابسته است. پرورش اقتصادی این دام‌ها به مراتب، چراگاه زمین‌های کشاورزی، و محصولات فرعی مانند کاه و کلش متکی است. از این‌رو، برای تأمین علوفه مورد نیاز، حرکت و نقل و انتقال بین مراتب بیلاقی و قشلاقی (کوچ) ضرورت دارد.

از آنجا که بیشتر هزینه‌های پرورش دام را هزینه‌های تغذیه‌ای تشکیل می‌دهد، بهره‌برداری درست از مراتب به کاهش هزینه‌های پرورش و افزایش بازده اقتصادی در این شیوه معیشتی می‌انجامد. توجه به جامعه عشایری از دو دیدگاه اهمیت دارد (بخشی جهرمی، ۱۳۸۶): ۱- برنامه محرومیت‌زدایی؛ و ۲- نقش ساختاری عشایر در تولیدات دامی.

بررسی برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی تهیه و اجرا شده در کشور نشان می‌دهد که با وجود توانایی‌های جامعه عشایری، کمتر برنامه‌ای در هماهنگی با وضعیت جمعیتی، توانمندی‌ها و میزان نیازهای این جامعه تدوین و اجرا شده است؛ و بر این اساس، از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه و دسترسی به خدمات، میان این جامعه و جوامع شهری و روستایی شکافی بزرگ وجود دارد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به واقعیت‌های موجود، رسیدگی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع عشایری و حل مشکلات و ارائه خدمات به آنها اهمیت زیادی دارد.

در حال حاضر، با جدا شدن شهرستان طبس از استان خراسان و پیوستن آن به استان یزد که پیش از این قلمروی عشایر نبوده است، یزد از جمله استان‌های دارای جمعیت عشایری محسوب می‌شود. وقوع خشکسالی‌های متوالی در سال‌های اخیر در منطقه قشلاق عشایر استان یزد کاهش تولید علوفه مراتب و محدودیت تولیدات دامی خانوارهای عشایری را موجب شده و از سوی دیگر، جدایی شهرستان طبس از استان خراسان سابق باعث شده است که منطقه قشلاق و بیلاق تحت حاکمیت سیاسی دو استان مختلف قرار گیرد که همین مسئله برای خانوارهای عشایر طایفه طاهری در

منطقه ییلاق واقع در محدوده استان خراسان رضوی مشکلات زیادی را ايجاد کرده است، به گونه ای که به رغم حق عرفی و قانونی آنها در بهره برداری از مراتع ییلاقی، هنگام بهره برداری از این گونه مراتع، با ممانعت اهالی مناطق یاد شده روبه رو می شوند. بدین ترتیب، این مجموعه عوامل زندگی طایفه طاهری را در معرض تهدید قرار داده و از این رو، انجام مطالعات جامع برای سامان دهی به وضعیت موجود خانوارهای عشایری این طایفه ضرورت یافته است. مطالعه حاضر با اتکای کامل به نمونه گیری های علمی صورت گرفته و هدف از آن بررسی و شناخت وضعیت موجود این طایفه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و ارزیابی مشکلات و کمبودهای ناشی از خشکسالی در کنار قابلیت ها و امکانات برای کمک به برنامه های توسعه و سامان دهی به وضعیت موجود این طایفه بوده است.

پیشینه تحقیق

دهقانیان و کهنسال (۱۳۷۹) به بررسی اقتصاد تولیدعشایر خراسان پرداختند. نتایج بررسی نشان داد که ۶۶/۲ درصد درآمد سالانه عشایر از پرورش و فروش دام، ۱۳/۸ درصد آن از تولید پشم، ۱۶/۸ درصد آن از تولید شیر و باقی مانده آن از تولید مو و کرک به دست می آید. همچنین، ۱۲/۹ درصد خانوارهای عشایر نمونه خراسان در کنار دامپروری به کشاورزی نیز می پردازند. رضوی (۱۳۷۹)، با بررسی اقتصاد خانوار عشایر ساکن در مراتع ییلاقی شمال شهرستان سمنان و نقش خیل در آن، به بررسی چگونگی تأمین سوخت خانوارها، میزان زمین زراعی و فعالیت های اقتصادی آنها پرداخته است. قنبری (۱۳۸۰)، در تحقیق خود، اثرات اقتصادی و اجتماعی خشکسالی بر زندگی عشایر ایل قشقایی و تأثیرات کمی و کیفی آن بر تولیدات دامی، صنایع روستایی، مهاجرت، ترکیب دام، و مراتع را مورد بررسی قرار داده است. کفیل زاده و اسماعیل زاده (۱۳۸۱)، در تحقیقی که در زمینه اقتصاد تولید بخش عشایر کوچنده و اسکان یافته انجام دادند، بدین نتیجه رسیده اند که ترکیب دام عشایر اسکان یافته و کوچنده متفاوت بوده و

در شرایط اسکان، بر سهم گوسفند و گاو عشایر افزوده شده است. هزینه نگهداری هر رأس دام عشایر کوچنده نسبت به عشایر اسکان یافته و نیز در شرایط اسکان، سود سالانه هر رأس گوسفند و گاو بیشتر است. بخشی جهرمی (۱۳۸۶)، در بررسی اقتصاد تولید و درآمد عشایر سامانه درزه از زیست بوم هامون- جازموریان شهرستان کهنوج، چنین نتیجه می‌گیرد که به علت خشکسالی‌های به‌وقوع پیوسته در منطقه، فعالیت دامپروری و کشاورزی این عشایر اقتصادی نیست و از این رو، آنها دریافت دستمزد کم در مشاغل شهری را بر ادامه فعالیت تولیدی ترجیح می‌دهند.

مهدوی و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که روستاهای جدید با چالش‌هایی مانند سستی دستگاه‌های اجرایی در زمینه اسکان، ناتوانی مدیریت این روستاها، و مشارکت اندک مردم در فرآیند اسکان روبه‌رو بوده‌اند و از این رو، برای فراهم آوردن زمینه پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این کانون‌ها، برخورداری از برنامه‌های کارآمد ضروری است.

مختاری و صالح (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان «تحلیل ابعاد اقتصادی و اجتماعی خشکسالی و آثار آن بر خانوارهای روستایی در منطقه سیستان»، به بررسی تأثیرات خشکسالی در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ بر وضعیت اشتغال، درآمد، سرمایه‌گذاری، مهاجرت، و امنیت غذایی در این منطقه پرداخته‌اند. یزدانی و حق‌شنو (۱۳۸۶)، در مطالعه خود، مدیریت خشکسالی را بررسی و راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه کرده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که خشکسالی زیان‌هایی جبران‌ناپذیر بر بخش کشاورزی و تولیدات دامی وارد می‌کند؛ و با اعمال مدیریت‌های ناکارآمد فنی و استفاده از راهبردهای نامناسب، بیش از پیش زمینه‌ساز مشکلات در خشکسالی‌های آینده خواهد بود. در این پژوهش، پیشنهاد شده است که برای کاهش زیان‌های اقتصادی ناشی از خشکسالی، سیاست‌هایی اعمال شود که وابستگی روستاییان و عشایر به درآمد تولید محصولات کشاورزی و دامی کاهش یابد.

کانتی (Kanti, 1998)، در مطالعه‌ای با عنوان «مکانیسم‌های مقابله با خشکسالی در منطقه بنگال واقع در شمال بنگلادش»، وضعیت افراد زیان‌دیده از این پدیده را بررسی کرده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در بنگلادش، خشکسالی پدیده‌ای قابل برگشت و دوره‌ای است و علاوه بر تأثیرگذاری بر رشد گیاهان، به کاهش تولید محصولات زراعی و کمبود غذا برای بسیاری از مردم و در نهایت، به قحطی و گرسنگی می‌انجامد.

روش تحقیق

در این بررسی، با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، آخرین آمار و اطلاعات به‌نگام با مراجعه مستقیم به مراکز سازمان امور عشایر کشور، مرکز آمار ایران، مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان طبرستان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد جمع‌آوری و استفاده شده و برای انجام مطالعات میدانی نیز پرسشنامه‌های تهیه‌شده در سازمان امور عشایر به‌کار رفته است، به‌گونه‌ای که در بخش آبادی، ۱۹ پرسشنامه آبادی (به‌تعداد تمام آبادی‌های قشلاق) و در بخش خانوار عشایری نیز ۱۱۰ پرسشنامه خانوار تکمیل شده است. اطلاعات جمع‌آوری‌شده از آبادی‌های عشایر دربرگیرنده مشخصات آبادی، امکانات زیربنایی موجود در آبادی، وضعیت دامداری، مهم‌ترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از خشکسالی، و تحولات اجتماعی و انتظارات اهالی آبادی است. همچنین، اطلاعات جمع‌آوری‌شده از خانوارهای عشایری ویژگی‌های جمعیتی خانوار و تأثیر خشکسالی بر آن، وضعیت کوچ، وضعیت بهره‌برداری از مراتع و تأثیر خشکسالی بر آن، وضعیت مسکن، دامداری و صنایع دستی خانوار، و سایر اطلاعات مهم را شامل می‌شود. جامعه آماری منطقه مورد مطالعه کلیه خانوارهای ساکن در ۱۹ آبادی مورد مطالعه بودند. به‌منظور تعیین حجم نمونه از رابطه $n = \frac{Nt^2pq}{t^2pq + NE}$ استفاده شده است. در این رابطه، N اندازه جامعه، n اندازه نمونه، t آماره تی - استیودنت (t-student)، و E میزان خطا (در سطح پنج درصد) است. استخراج اطلاعات از پرسشنامه‌های آبادی

و خانوار با استفاده از نرم‌افزار Excel صورت گرفته و سپس، داده‌ها و خروجی‌ها با استفاده از همین نرم‌افزار تجزیه و تحلیل شده است. به دلیل استقرار عشایر طایفه طاهری در زمان قشلاق در شهرستان طبس، پرسشنامه‌های تکمیل شده به صورت مقطعی است و به دوره حضور در قشلاق و سال ۱۳۸۵ مربوط می‌شود.

موقعیت و خصوصیات منطقه مورد مطالعه

منطقه قشلاقی عشایری طایفه طاهری شهر عشق‌آباد طبس در منتهی‌الیه شمال شرق استان یزد در فاصله بیش از ۵۵۰ کیلومتری مرکز استان و ۱۸۰ کیلومتری شهرستان طبس و ۸۰ کیلومتری مرکز بخش دستگردان در موقعیت ۳۴ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۵۹ دقیقه طول شرقی و ۵۷ درجه و ۸ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. مساحت منطقه مورد مطالعه حدود ۱۳۲۵۵۰ هکتار است. مهم‌ترین مراکز جمعیتی در این منطقه مطالعاتی شامل آبادی‌های چاه مسافر، کل حوض‌ها، چاه شور، چاه پیوم، کال عبدالغنی، انجیره، و کربلایی اسدالله است (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان طبس، ۱۳۸۴).

معرفی طوایف و تیره‌های مستقر در محدوده آمار خانوارهای عشایری

بخش دستگردان شهرستان طبس دارای دو طایفه عشایری کوچ‌رو است که در دهستان کوه یخاب کوچ قشلاقی خود را می‌گذرانند و اصولاً این منطقه را مأمن اصلی خود قرار داده‌اند؛ این دو عبارت‌اند از: طایفه عرب طاهری و طایفه ایلخانی.

از آنجا که هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و پیامدهای خشکسالی برای طایفه عرب طاهری و نیز ارائه راه حل برای کاهش مشکلات و توسعه اقتصادی و اجتماعی آنهاست، در این مطالعه، تنها به بررسی مسائل یاد شده در این طایفه پرداخته شده است.

نتایج تحقیق

بررسی وضعیت کوچ به تفکیک خانوار و آبادی و نحوه شرکت اعضای خانوار در کوچ همان‌طور که گفته شد، عشایر طایفه عرب طاهری جزو طوایف کوچ‌رو به‌شمار می‌روند؛ و محل کوچ قشلاقی آنها در قسمت شمال شرقی بخش دستگردان شهرستان طبس و در فاصله حدود ۷۰ کیلومتری مرکز بخش است. این طایفه در گذشته بیشتر در آبادی‌های گود طاهری و چاه مسافر ساکن بودند؛ اما در حال حاضر، آبادی گود طاهری به‌علت تخریب شدید مراتع اطراف آن و بیابانی شدن منطقه و نیز هجوم شن‌های روان خالی از سکنه شده و اهالی آن در سایر محلات پراکنده شده و یا مهاجرت کرده‌اند. به‌طور کلی، محل کوچ قشلاقی این طایفه آبادی‌های چاه مسافر و محله‌های تابعه آن مانند چاه شور، چاه پی‌آب، کل حوض‌ها، گزو، هوک، کرکس آب، حوض‌های زیره، کال گز، رباط زنگیچه، انجیره پایین، حوض کربلایی اسدالله، کال عبدالغنی، و قرچه است. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه‌های خانوار، همه اعضای خانوار در این آبادی‌ها در کوچ به قشلاق شرکت داشته‌اند و اشکال دیگر بهره‌برداری مانند نیمه‌کوچندگی و رمه‌گردانی نزد اعضای این طایفه وجود ندارد؛ هیچ‌کدام از آنها در بیلاق به‌طور کامل باقی نمانده‌اند بلکه به فواصل زمانی کوتاه از یکدیگر، به محل قشلاق بازگشته‌اند؛ و هیچ‌کدام دام دیگری را به قشلاق نیاورده‌اند. همچنین، تمام افراد خانواده به بیلاق کوچ می‌کنند (در تاریخ ۸۵/۴/۵ بدین آبادی‌ها مراجعه و مشاهده شده که حتی یک خانوار در قشلاق باقی نمانده است). محل کوچ بیلاقی این طایفه عموماً دهستان کوه‌پایه بخش برداسکن شهرستان کاشمر و مناطق کوه‌پایه‌ای بعضی از چشمه‌چاه‌های دهستان کوه یخاب و محل‌هایی به نام‌های دهانه آب، آهوکم، ایرج‌آباد، چشمه‌هادی، قزکز، کلاته عناب، پای درخت جوز، کلاته حسامی، تنگل فجر، کال تیجو، کلاته آق مهدی و کوه سرخ تنگل پرشم، تنگل حیدر، قبرهای سفید، دهانه تاغی، چاه عباس صفر، تنگل سیاه، دشت زبرکوه، دشت چاه‌بلو، چاه گزی، تیغ قرمز، و چاه جملی سفید است.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های خانوار، ۹۶ درصد از خانوارها بخش برداسکن شهرستان کاشمر و ۴ درصد شهرستان سبزوار را برای کوچ ییلاق انتخاب کرده‌اند. همچنین، مدت زمان کوچ دام از قشلاق به ییلاق و برعکس از چهار تا پانزده روز متغیر بوده و به طور میانگین، ۹/۵ روز طول کشیده است؛ مدت زمان کوچ خانواده از قشلاق به ییلاق و برعکس کمتر از یک روز بوده است؛ و صد در صد خانواده‌ها با خودرو و صد در صد دام خانواده‌ها به صورت پیاده کوچ کرده‌اند. ورود به قشلاق از اول مهر تا پایان آبان متغیر و بیشتر در اوایل آبان بوده و خروج از قشلاق نیز از اوایل فروردین تا اواسط اردیبهشت متغیر بوده است (سالم، ۱۳۸۶).

مهم‌ترین مشکلات موجود در قشلاق به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: خشکسالی، گرانی علوفه، کمبود امکانات (مانند آب آشامیدنی سالم، حمام، مدرسه، مخابرات، فروشگاه عرضه سوخت، و امکانات درمانی)، جاده نامناسب و دوری از مرکز دهستان، تخریب مراتع، و نامناسب بودن امکانات و خدمات دامپزشکی.

همچنین، مهم‌ترین مشکلات موجود در ییلاق به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: ۱- نبود امنیت؛ درگیری با اهالی محل بر سر چراگاه، و آزار و اذیت و باجگیری از سوی آنها؛

۲- عدم برخورداری از مجوز چرای دام؛ هر چند، طی چند دهه، افراد این طایفه به صورت عرفی و مشاع از مراتع بخش برداسکن شهرستان کاشمر استفاده کرده و برخی نیز از مسکن خشت‌وگلی با قدمت طولانی در منطقه برخوردار بوده‌اند؛ و

۳- پرداخت اجاره‌بهای زیاد برای استفاده از مراتع.

بررسی امکانات

رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه به امکانات رفاهی و زیربنایی موجود بستگی دارد. از این رو، در مطالعه حاضر، با بررسی هر کدام از امکانات و تسهیلات مورد نظر، می‌توان نقاط ضعف و قوت منطقه مورد بررسی در زمینه‌های یاد شده را

نشان داد. در جدول ۱، همه امکانات مورد استفاده در نوزده آبادی مورد نظر آمده است (سالم، ۱۳۸۶).

امکانات آموزشی

اطلاعات به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که تنها دوازده آبادی دارای مدرسه در سطح ابتدایی بوده و هیچ‌گونه امکانات آموزشی دیگری در این آبادی‌ها مستقر نبوده است. مدارس موجود نیز امکاناتی بسیار اندک دارند و برای استراحت و اقامت معلم‌هایی که از مسافت‌های دور به این آبادی‌ها می‌آیند، مکانی پیش‌بینی نشده و معمولاً تمام مدرسه تنها شامل یک اتاق است. چنان‌که از مصاحبه‌های صورت گرفته با معلمان برمی‌آید، دانش‌آموزان طایفه عشایری عرب طاهری، حتی در مقایسه با دانش‌آموزان مرکز دهستان، از استعدادهای تحصیلی مناسب برخوردارند؛ هر چند، بدبختانه دانش‌آموزان دختر و پسر این طایفه به خاطر نحوه زندگی، فرهنگ حاکم و فقر مالی از ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی بازمانده‌اند.

امکانات درمانی

بررسی امکانات درمانی این نوزده آبادی نیز نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از آنها دارای این‌گونه امکانات نیستند. خدمات‌رسانی در زمینه بهداشت و درمان به صورت گشت‌های امدادی در فواصل زمانی پانزده و سی روز و به صورت نامنظم بوده است. گاهی به علت وجود جاده‌های نامناسب و مسافت طولانی برای دسترسی به مرکز دهستان و نیز وسایل حمل و نقل نامناسب (بیشتر مردان عشایر بدون وسیله نقلیه‌اند و یا تنها موتورسیکلت دارند)، بیماری‌های ساده منجر به مرگ و میر شده است.

راه‌های ارتباطی

از علل عقب‌ماندگی منطقه مورد مطالعه، نبود راه‌های ارتباطی مناسب است که محدودیت رفت و آمد اهالی منطقه و عدم دسترسی سریع و به موقع به امکانات فرهنگی، رفاهی، بهداشتی و آموزشی را موجب شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از

پرسشنامه‌های نوزده آبادی واقع در محدودهٔ عشایر طایفهٔ طاهری، هیچ‌کدام از این آبادی‌ها جادهٔ آسفالت و مناسب ندارند و همهٔ راه‌های ارتباطی بین آنها و نیز راه‌های دسترسی به مرکز دهستان خاکی است. به‌نظر ساکنان آبادی‌ها، با جدایی فعالیت‌های توسعه و ترمیم راه روستایی از وزارت جهاد کشاورزی و واگذاری آن به وزات راه و ترابری، کیفیت جاده‌های موجود بدتر شده است، به‌گونه‌ای که هماهنگی برای ترمیم و تیغ زدن جاده به‌وسیلهٔ دستگاه گریدر به پیگیری و صرف وقت زیاد نیاز دارد.

امکانات مسکونی

بررسی وضعیت مسکن خانوارهای نوزده آبادی مورد مطالعه نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از آنها در وضعیت مناسب مسکونی به‌سر نمی‌برند؛ اما در مجموع، وضعیت مسکن خانوارهای چهار آبادی مشاع عبید، سربالا، پده بید، و زیرکوه که به‌طور دائم در قشلاق سکونت دارند، بهتر از دیگر آبادی‌هاست. خانهٔ اهالی پانزده آبادی کوچ‌رو از یک یا دو اتاق کوچک به‌مساحت حداکثر سی متر مربع با مصالح ساختمانی ابتدایی مانند خشت و گل و سقف‌های ضربی تشکیل شده و بیشتر آنها بدون مرمت و پوشش مناسب بیرونی است، به‌گونه‌ای که در پی بارش مناسب باران، دچار مشکل خواهند شد. همچنین، بر اساس نتایج بررسی‌ها، در آن دسته از آبادی‌های کوچ‌رو مانند کرکس آب که خانوارها از وضعیت اقتصادی و فرهنگی مناسب‌تر برخوردارند، کیفیت ساختمان و وضعیت محیط بیرونی خانه‌ها بهتر است.

آب لوله‌کشی

از نوزده آبادی مورد مطالعه، تنها سه آبادی دارای آب لوله‌کشی به‌صورت استفادهٔ مشترک است و دیگر آبادی‌ها از این نعمت محروم‌اند؛ و البته در هیچ‌کدام از منازل واقع در آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی مستقل نیز شیر آب وجود ندارد. از آنجا که امروزه، آب لوله‌کشی سالم از امکانات اولیهٔ زندگی در جوامع انسانی است، فقدان آن نشانهٔ محرومیت و نیز پایین بودن شاخص‌های زندگی به‌شمار می‌رود. تأمین آب آشامیدنی خانوارهای ساکن در آبادی بیشتر به‌صورت حمل آب به‌وسیلهٔ تانکر از مرکز

دهستان یا چاه‌های آب منطقه و تخلیه آن در آب‌انبارهای هر آبادی و یا به صورت برداشت آب از تانکرهای ثابت انجام می‌شود.

مخابرات

از نوزده آبادی مورد مطالعه، تنها یک آبادی دارای دفتر مخابراتی است که البته آن هم در زمان انجام مطالعه، خراب و غیرقابل استفاده بود؛ و دیگر آبادی‌ها هیچ‌گونه امکانات اولیه مخابراتی ندارند. نبود امکانات مخابراتی در هر جامعه‌ای از موانع مهم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه است و کمبود آن در آبادی‌های مورد نظر نیز به بی‌اطلاعی و یا کم‌اطلاعی نهادها و ادارات دولتی از مسائل و مشکلات روزمره و اضطراری خانوارهای ساکن و در نتیجه، به عدم رسیدگی به آنها در صورت وقوع حادثه و یا فاجعه می‌انجامد.

برق

بر اساس نتایج مطالعه، از نوزده آبادی مورد مطالعه، پنج آبادی دارای برق و دیگر آبادی‌ها فاقد آن بوده‌اند. شایان یادآوری است که به‌رغم سرمایه‌گذاری سنگین دولت در انتقال برق، در این پنج آبادی نیز به‌علت نبود زیرساخت‌های توسعه و سطح پایین زندگی بر اثر کمبود درآمدها، از برق استفاده مناسب به‌عمل نمی‌آید. همچنین، به‌دلیل خالی بودن آبادی در زمان کوچ بیلاقی، مشکلاتی در زمینه حفظ و نگهداری از این امکان رفاهی پدید آمده است، به‌طوری که در زمان مطالعه، کابل‌های برق چند آبادی مورد سرقت قرار گرفته بود.

جدول ۱- امکانات زیر بنایی، رفاهی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و درمانی آبادی‌های مورد مطالعه

ردیف	نام آبادی	مدرسه ابتدایی	درمانگاه	آب لوله‌کشی	راه آسفالت	برق	حمام	امکانات فرهنگی و مذهبی	شورای اسلامی	پاسگاه	فروشگاه	مخابرات
۱	چاه مسافر	×	-	×	-	×	×	×	×	-	-	×
۲	چاه شور	×	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۳	چاه بی‌آب	×	-	-	×	-	-	-	-	-	-	-
۴	کل حوض‌ها	×	-	×	-	-	-	-	-	-	-	-
۵	گزو	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۶	هوک	×	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۷	کرکس آب	×	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۸	حوض زیره	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۹	کال گز	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۰	رباط زنگیچه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۱	سربالا	×	-	×	-	×	-	×	-	-	-	-
۱۲	انجیره پایین	×	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳	حوض کربلایی اسدالله	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۴	کال عبدالغنی	×	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۵	چاه مرشد	-	-	-	-	×	-	-	-	-	-	-
۱۶	پده بید	×	-	×	-	×	×	×	×	-	×	-
۱۷	زبرکوه	×	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۸	قرچه	×	-	-	-	-	-	×	-	-	-	-
۱۹	مشاع عبید	-	-	-	-	-	-	×	-	-	-	-

مأخذ: نتایج مطالعه

بررسی خانوارهای نمونه عشایری از نظر توزیع سنی و جنسی

بررسی گروه‌های سنی جمعیت نمونه در طایفه طاهری نشان می‌دهد که این طایفه از جمعیتی جوان تشکیل شده است، به گونه‌ای که ۶۵/۷ درصد از این جمعیت در سنین کمتر از ۲۵ سال قرار دارند؛ همچنین، جمعیت کهنسال نمونه‌های این طایفه (بالای ۶۴ سال) تنها ۲/۱ درصد و جمعیت فعال نیز (از ۱۵ تا ۶۴ سال) ۶۰ درصد از کل جمعیت نمونه را دربرگرفته است. جدول ۲ توزیع سنی و جنسیتی جمعیت نمونه عشایر طایفه طاهری در ۱۳۸۵ را نشان می‌دهد.

جدول ۲- توزیع جنسی و سنی جمعیت نمونه عشایر طایفه طاهری- سال ۱۳۸۵

گروه سنی	مرد و زن	مرد	زن	درصد مرد و زن	درصد مرد	درصد زن	نسبت جنسیتی
۰ تا ۴	۴۴	۲۵	۱۹	۱۰/۴	۱۱/۴	۹/۲	۱۳۱
۵ تا ۹	۵۷	۲۸	۲۹	۱۳/۴	۱۲/۸	۱۴/۱	۹۶
۱۰ تا ۱۴	۶۰	۲۶	۳۴	۱۴/۱	۱۱/۹	۱۶/۵	۷۶
۱۵ تا ۱۹	۷۲	۳۹	۳۳	۱۷	۱۷/۸	۱۶	۱۱۸
۲۰ تا ۲۴	۴۵	۱۸	۲۷	۱۰/۶	۸/۲	۱۳/۱	۶۶
۲۵ تا ۲۹	۳۶	۱۹	۱۷	۸/۵	۸/۷	۸/۲	۱۱۱
۳۰ تا ۳۴	۱۸	۱۲	۶	۴/۲	۵/۵	۲/۹	۲۰۰
۳۵ تا ۳۹	۲۱	۱۰	۱۱	۴/۹	۴/۵	۵/۳	۹۰
۴۰ تا ۴۴	۱۷	۷	۱۰	۴	۳/۲	۴/۸	۷۰
۴۵ تا ۴۹	۲۴	۱۳	۱۱	۵/۶	۵/۹	۵/۳	۱۱۸
۵۰ تا ۵۴	۱۱	۸	۳	۲/۶	۳/۶	۱/۴	۲۶۶
۵۵ تا ۵۹	۶	۳	۳	۱/۴	۱/۳	۱/۴	۱۰۰
۶۰ تا ۶۴	۵	۳	۲	۱/۲	۱/۳	۱/۹	۱۵۰
بالای ۶۵	۹	۷	۲	۲/۱	۳/۲	۱/۹	۳۵۰
جمع	۴۲۳	۲۱۸	۲۰۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۶

مأخذ: نتایج مطالعه

بر اساس جدول، کمترین نسبت جنسیتی مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال و بیشترین نسبت جنسیتی متعلق به گروه سنی بالای ۶۵ سال است؛ یعنی، طول عمر مردان نمونه بیش از زنان نمونه است، که با توجه به شرایط سخت‌تر زندگی زنان نسبت به مردان عشایر، این نتیجه‌گیری قابل قبول می‌باشد.

تأثیر خشکسالی بر رشد جمعیت و مهاجرت

سرشماری عشایر طایفه طاهری در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷، و ۱۳۸۵ از سوی مرکز آمار ایران انجام شد. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از این سرشماری‌ها، در ۱۳۶۶، این طایفه شامل ۱۴۸ خانوار با جمعیت ۷۰۷ نفر بوده که در ۱۳۷۷، به ۳۴۷ خانوار با جمعیت ۱۵۶۸ نفر افزایش یافته است. همچنین، بر اساس اطلاعات آخرین سرشماری نفوس و مسکن، در ۱۳۸۵، تعداد ۳۲۷ خانوار با جمعیت ۱۳۲۴ نفر از این طایفه در نوزده آبادی در حال زندگی بوده‌اند. آمار به‌دست آمده گویای کاهش تعداد خانوارهای این طایفه از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵ است؛ یعنی، تعدادی از خانوارهای طایفه طاهری به مکان‌های دیگر مهاجرت کرده‌اند و رشد جمعیت منفی بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). مهاجرت یکی از جنبه‌های تحلیلی جمعیت است که به نقل و انتقال و جابه‌جایی سکونت‌مردم از مکانی به مکان دیگر مربوط می‌شود. غالباً مردم از سرزمین‌هایی که شرایط اقتصادی آنها ضعیف، ناکافی و نارساست، خارج می‌شوند و به مناطقی روی می‌آورند که دارای جاذبه‌های شغلی بهتر، دستمزدهای بالاتر و محرک‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتر است. به عبارت دیگر، مهاجرت از یک مکان شاخص فشار جمعیت بر منابع موجود آنجاست، چنان‌که مهاجرپذیری یک منطقه به قدرت منابع آنجا محدود می‌شود. مهاجرت فعل و انفعالی از پراکندگی مجدد جمعیت و در ورای شکل ظاهری آن، یک ارتباط پرمعنی بین جمعیت و پراکندگی منابع منطقه است. می‌توان مهم‌ترین عوامل مهاجرت را به دو دسته عوامل اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرد.

عوامل اقتصادی

ظرفیت تولید علوفه مراتع در منطقه قشلاق طایفه طاهری محدود است و از این مراتع به شیوه‌های سنتی بهره‌برداری می‌شود. از این‌رو، همواره شماری محدود از خانوارها می‌توانند به معیشت خود ادامه دهند و جمعیت مازاد ناگزیرند برای کسب درآمد و گذران زندگی، به مکان‌های دیگر مهاجرت کنند.

عوامل اجتماعی

از میان عوامل اجتماعی مهاجرت و جابه‌جایی ساکنان منطقه، می‌توان وجود اختلافات و درگیری بین جمعیت، فقدان یا کمبود امکانات رفاهی و آموزشی، ازدواج، و ادامه تحصیل را نام برد. بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های تکمیل شده، هیچ‌کدام از اهالی در سه سال گذشته با یکدیگر درگیری و کشمکش نداشته‌اند؛ بنابراین، در مهاجرت آنها از قشلاق، اختلافات و درگیری داخلی تأثیری نداشته و احتمالاً سایر عوامل اجتماعی مؤثر بوده است.

جدول ۳ تعداد خانوار و جمعیت بر اساس سرشماری عشایر کوچنده در ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ و سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در ۱۳۸۵ آمده است.

جدول ۳- تعداد خانوار و جمعیت طایفه طاهری طی سال‌های مختلف

سال	۱۳۶۶	۱۳۷۷	۱۳۸۵
تعداد خانوار	۱۴۸	۳۴۷	۳۲۷
جمعیت مرد و زن	۷۰۷	۱۵۶۸	۱۳۲۴
جمعیت مردان	۳۶۲	۷۶۵	۶۴۵
جمعیت زنان	۳۴۵	۸۰۳	۶۷۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶.

بررسی وضعیت سواد جمعیت نمونه عشایر طایفه طاهری

جدول ۴ وضعیت سواد سرپرستان خانوار را در جمعیت مورد مطالعه نشان می‌دهد.

جدول ۴- وضعیت سواد سرپرستان خانوار جمعیت نمونه عشایر طایفه طاهری

درصد	تعداد	سطح آموزش
۲۶/۳۶	۲۹	بی سواد
۱۰	۱۱	نهضت
۱۰/۹	۱۲	خواندن و نوشتن
۳۹	۴۳	دبستان
۴/۵۴	۵	سواد قرآنی
۹	۱۰	سیکل
۱۰۰	۱۱۰	جمع کل

مأخذ: نتایج مطالعه

شایان یادآوری است که بهره‌برداران مورد مصاحبه ۱۹ تا ۷۵ ساله و همگی متأهل بوده‌اند. همچنین، بررسی وضعیت سواد افراد ۶ ساله و بالاتر بر حسب گروه‌های سنی این طایفه نشان می‌دهد که ۲۶۷ نفر از کل جمعیت نمونه باسواد و ۱۱۴ نفر بی‌سواد بوده‌اند (جدول ۵). بر اساس اطلاعات به دست آمده، در ۱۳۸۵، تعداد کل دانش‌آموزان نوزده آبادی مورد مطالعه ۸۷ نفر شامل ۴۶ پسر و ۴۱ دختر بوده که همگی در مقطع دبستان در حال تحصیل بوده‌اند (اداره آموزش و پرورش شهرستان طبس، ۱۳۸۶).

جدول ۵ وضعیت سواد جمعیت ۶ سال به بالا در جمعیت نمونه طایفه طاهری را نشان می‌دهد.

جدول ۵- وضعیت سواد جمعیت شش ساله و بیشتر برحسب گروه‌های سنی

جمعیت نمونه، ۱۳۸۵

گروه سنی (سال)	تعداد			درصد به کل			درصد	
	باسواد	بی سواد	جمع	باسواد	بی سواد	جمع	باسواد	بی سواد
۶ تا ۹	۳۳	۱۷	۵۰	۱۲/۶	۱۴/۹	۱۳/۲	۶۶	۳۴
۱۰ تا ۱۴	۶۳	۲	۶۵	۲۴/۱	۱/۷	۱۷/۲	۹۷	۳
۱۵ تا ۱۹	۶۳	۹	۷۲	۲۴/۱	۷/۸	۱۹/۱	۸۷/۵	۱۲/۵
۲۰ تا ۲۴	۳۵	۱۰	۴۵	۱۳/۴	۸/۷	۱۱/۹	۷۷/۷	۲۲/۳
۲۵ تا ۲۹	۲۴	۹	۳۳	۹/۲	۷/۸	۸/۷	۷۲/۷	۲۷/۳
۳۰ تا ۳۴	۱۴	۵	۱۹	۵/۳	۴/۳	۵	۷۳/۶	۲۶/۴
۳۵ تا ۳۹	۹	۱۱	۲۰	۳/۴	۹/۶	۵/۳	۴۵	۵۵
۴۰ تا ۴۴	۳	۱۳	۱۶	۱/۱	۱۱/۴	۴/۲	۱۸/۷	۸۱/۳
۴۵ تا ۴۹	۶	۱۷	۲۳	۲/۳	۱۴/۹	۶/۱	۲۶	۷۴
۵۰ تا ۵۴	۵	۶	۱۱	۱/۹	۵/۲	۲/۹	۴۵/۴	۵۴/۶
۵۵ تا ۵۹	۲	۴	۶	۱/۵	۳/۵	۱/۶	۳۳/۳	۶۶/۷
۶۰ تا ۶۴	۴	۳	۷	۱/۵	۲/۶	۱/۸	۵۷/۱	۴۲/۹
بالای ۶۵	۰	۹	۹	۰	۷/۸	۲/۳	۰	۱۰۰
جمع	۲۶۱	۱۱۵	۳۷۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۷۱	۲۹

مأخذ: نتایج مطالعه

خشکسالی اقلیمی

منطقه مورد مطالعه، با میانگین دمای سالانه ۱۸/۸ درجه سانتی‌گراد و میانگین بارندگی سالانه ۹۸ میلی‌متر، دارای ضریب خشکی ۳/۴ است و بدین ترتیب، در اقلیم خشک قرار می‌گیرد. گاه اختلاف دمای تابستان و زمستان به بیش از ۶۰ درجه سانتی‌گراد و اختلاف دمای شب و روز نیز به بیش از ۲۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. میزان تبخیر از سطح آزاد آب در ماه‌های خرداد، تیر و مرداد از مرز ۳۰۰ میلی‌متر فراتر می‌رود و در مجموع، در طول سال، به حدود ۲۰۰۰ میلی‌متر می‌رسد. میزان بارش سالانه در دوره

۲۲ ساله در محدوده مورد مطالعه حداقل ۳۱ میلی‌متر و حداکثر ۱۹۹ میلی‌متر بوده است. بررسی تغییرات بارندگی سالانه ایستگاه‌های محدوده مورد مطالعه نشان داد که طی سال‌های اخیر، این منطقه با یک دوره خشکسالی ۵ تا ۱۳ ساله در ایستگاه‌های مختلف مواجه بوده است. همچنین، به دلیل محاصره این محدوده در کویر مرکزی ایران، بادهای گرم و خشک غالب در منطقه بر توسعه خشکی و خشکسالی و وقوع طوفان‌های گرد و خاک تأثیری چشمگیر داشته است، به گونه‌ای که خشکسالی به پیدایش نشانه‌های فرسایش بادی در سطح منطقه انجامیده که گواهی است بر اثرات متقابل چرخه «خشکسالی - چرای بی‌رویه - کاهش پوشش گیاهی - فرسایش بیشتر - خشکسالی بیشتر» (توکلی، ۱۳۸۶).

بررسی میزان آمادگی عشایر برای مشارکت در برنامه‌های توسعه و سرمایه‌گذاری

بر اساس نتایج این تحقیق، همه خانوارهای نمونه آمادگی خود را برای مشارکت در برنامه‌های توسعه و سرمایه‌گذاری اعلام کرده‌اند. بیشتر این خانوارها، به علت درآمد اندک و سرمایه ناکافی خود، مشارکت به صورت خدمات کارگری و سرمایه‌گذاری محدود (تا یک میلیون تومان) را برگزیده‌اند. از جمله عوامل دیگر مؤثر در عدم سرمایه‌گذاری نقدی، عدم اطمینان از نتایج اجرای طرح‌های توسعه و سرمایه‌گذاری است. در صورت اقدام دولت به سرمایه‌گذاری و دستیابی به نتایج رضایت‌بخش، انگیزه مشارکت نقدی افزایش می‌یابد. بررسی نحوه اجرای طرح‌های توسعه‌ای در منطقه نشان می‌دهد که عموماً این طرح‌ها به صورت حفر چاه و واگذاری آن به صورت مشاع به اهالی آبادی‌های نزدیک بوده، به گونه‌ای که چند حلقه چاه به همین شیوه حفر شده است. بر اساس بررسی مالکیت چاه‌های حفر شده تاکنون، بیشتر این چاه‌ها را مالکان اولیه آنها به قیمت‌های پایین فروخته‌اند و اینک به حالت راکد یا نیمه‌فعال درآمده‌اند، به گونه‌ای که از ظرفیت کامل چاه‌های آب در منطقه مورد مطالعه استفاده نمی‌شود. برای مثال، در آبادی گود طاهری، که اکنون خالی از سکنه است، در اوایل انقلاب اسلامی،

چاه کشاورزی توسط جهاد سازندگی حفر و تجهیز شده اما از آن زمان تاکنون، بدون استفاده مانده است. از بررسی‌های به‌عمل آمده، چنین برمی‌آید که تخلیه آبدی گود طاهری ناشی از نخریب کامل مراتع اطراف این آبادی به‌علت چرای مفرط و بیابانی شدن اراضی بوده و در شرایطی اتفاق افتاده که در زمینه برقرسانی و حفر چاه کشاورزی در این آبادی، سرمایه‌گذاری سنگین صورت گرفته است. به‌عبارت دیگر، در منطقه مورد مطالعه، تاکنون فرهنگ کشت و کار و توان انجام کشاورزی با توجه به کیفیت آب و خاک منطقه کمتر وجود داشته است؛ و هرگونه سرمایه‌گذاری در این زمینه هرگاه با آموزش و ترویج و خدمات پشتیبانی دولت همراه نباشد، مرهون موفقیت نخواهد بود به‌گفته ریش‌سفیدان آبادی‌های مورد مطالعه، نگرانی خانوارهای دارای شتر از ممانعت برای چرای دام آنها، رفت و آمد افراد خارج از آبادی برای انجام امور فنی و زراعی، احتمال اعزام فرزندانشان به خدمت سربازی، علاقه‌مندی به زندگی کوچ‌نشینی، و مهم‌تر از همه، پوشش گیاهی مناسب در منطقه پیش از خشکسالی‌های گذشته و سودآوری مناسب فعالیت دامداری در مقایسه با کشاورزی از دلایل مخالفت یا عدم تمایل خانوارها در زمینه فعالیت‌های کشاورزی بوده است. اما در حال حاضر، به‌دنبال خشکسالی‌های پی در پی، تخریب بخش‌هایی مهم از مراتع قشلاق، و سخت شدن زندگی کوچ‌نشینی، به‌دلایل نیاز به طی مسافت طولانی برای چرای دام در قشلاق، عدم امنیت کافی در بیلاق به‌علت تغییر مرزهای سیاسی، افزایش هزینه‌های چرای در بیلاق به‌علت افزایش فشار بر مراتع آن نواحی، افزایش هزینه اجاره مراتع و سرانجام، تضعیف توان مالی خانواده‌ها و بدهکاری آنها به بانک‌ها و خریداران دام و کاهش اعتبار آنها در بازار، اوضاع به‌گونه‌ای تغییر کرده که تمایل به انجام فعالیت کشاورزی و سکونت در قشلاق افزایش یافته است. اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه‌های خانوار نشان می‌دهد که صد درصد خانوارها به اسکان در قشلاق و انجام فعالیت‌های کشاورزی تمایل دارند.

بررسی مقدار، مالکیت و کیفیت اراضی مرتعی مورد بهره‌برداری و تأثیر خشکسالی بر آنها

از کل مساحت ۱۳۲۵۵۰ هکتاری محدوده مورد مطالعه، بخش اعظم آن در حدود ۹۵ درصد با مساحتی برابر ۱۲۵۹۲۳ هکتار را سطح قابل بهره‌برداری با کاربرد مرتع تشکیل می‌دهد که نوزده آبادی واقع در این محدوده از آن بهره‌برداری می‌کنند. همچنین، مستثنیات شامل سکونتگاه‌ها، اراضی کشاورزی، آبشخورها، محل نگهداری دام، و غیره حدود ۰/۴ درصد به مساحت ۵۳۰ هکتار و کوه‌ها با پوشش بسیار کم و غیر قابل استفاده برای دام نیز با مساحتی حدود ۶۰۹۷ هکتار، ۴/۶ درصد از کل اراضی منطقه را تشکیل می‌دهند. بررسی وضعیت مالکیت اراضی مرتعی نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از مراتع آبادی‌های محدوده زندگی قشلاقی عشایر طایفه طاهری ممیزی نشده و برای بهره‌برداران نیز پروانه چرا صادر نشده است. عشایر منطقه به صورت عرفی و مشاع به بهره‌برداری از مراتع قشلاقی می‌پردازند و به گفته سرپرستان خانوارها، در نحوه بهره‌برداری در این آبادی‌ها مشکلی ندارند. از آنجا که نحوه بهره‌برداری از هر منبع بسیار به نوع مالکیت آن بستگی دارد، ممیزی مراتع قشلاقی پس از گذراندن دوره طولانی خشکسالی و صدور پروانه چرا از اقدامات اساسی در حفظ و احیای این‌گونه مراتع به‌شمار می‌رود. با ممیزی مراتع، می‌توان به بهره‌برداری مناسب‌تر مراتع و جلوگیری از تخریب آن کمک کرد. حداقل مراتع مورد بهره‌برداری هر آبادی ۱۰۰۰ هکتار، حداکثر ۳۰۰۰۰ هکتار و میانگین آن، ۹۰۰۰ هکتار است. میانگین مدت بهره‌برداری از مراتع ۱۸۰ روز در سال و در صورت مناسب بودن پوشش گیاهی، مدت استفاده از مراتع قشلاقی تا ۲۴۰ روز قابل افزایش است.

درصد پوشش و درصد ترکیب گیاهی

برای تعیین درصد پوشش، تراکم و تولید، از بیست پلات ده متر مربعی در هر تیپ گیاهی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- درصد پوشش گیاهی در تیپ‌های مختلف

تیپ گیاهی	درصد پوشش	پایه در هکتار	توضیحات
درمنه- بهوه شور	۱۸		
درمنه- قیچ- بهوه شور	۱۶/۲	۱۱۵۰۰	خشک
درمنه- قیچ	۱۵/۳	۱۰۰۰۰	خشک
اشنان- بهوه شور	۱۳		نیمه‌خشک
درمنه- بادام کوهی	۱۱/۵		

مأخذ: ابوالقاسمی، ۱۳۸۶

وضعیت مرتع

برای تعیین وضعیت مرتع، از روش چهار عاملی استفاده شد که بر اساس آن، چهار عامل حفاظت خاک، پوشش گیاهی، بنیه و شادابی، و ترکیب گیاهی منظور می‌شود و به هر کدام امتیازی تعلق می‌گیرد؛ با جمع این امتیازها و مقایسه با جدول وضعیت، نتیجه مورد نظر به دست می‌آید. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در میان مراتع مورد مطالعه، مراتع با وضعیت عالی، خوب، و متوسط وجود ندارد بلکه بیشتر مراتع حوزه در وضعیت خیلی فقیر و فقیر است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶).

جدول ۷- تعیین وضعیت مرتع

تیپ	نام تیپ	عامل خاک	عامل ترکیب	عامل بنیه	عامل درصد پوشش	جمع امتیازها	وضعیت
۱	درمنه- بهوه شور	۸	۴	۵	۳	۲۰	فقیر
۲	درمنه- قیچ- بهوه شور	۴	۲	۱	۳	۱۰	خیلی فقیر
۳	درمنه- قیچ	۴	۲	۱	۳	۱۰	خیلی فقیر
۴	اشنان- بهوه شور	۴	۲	۱	۲	۹	خیلی فقیر
۵	درمنه- بادام کوهی	۵	۲	۱	۲	۱۰	خیلی فقیر

مأخذ: ابوالقاسمی، ۱۳۸۶

بر اساس امتیاز هر کدام از تیپ‌های مرتعی، بیشتر تیپ‌های گیاهی به‌ویژه در اطراف محل‌های سکونت و سامانه‌های دامداران مانند چاه مسافر، کل حوض‌ها، چاه شور، چاه پیوم، حوض زیره، گود طاهری، حوض کربلایی اسدالله، انجیره پایین، و کال عبدالغنی در وضعیت خیلی فقیرند، به‌طوری که در اثر چرای بی‌رویه، بسیاری از گونه‌های گیاهی تغییر شکل یافته و یا در حال ریشه‌کن شدن هستند؛ و برخی مناطق، از جمله حوالی چاه عبید تا چاه شور، آبخور، و گزو در وضعیت فقیر به‌سر می‌برند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶).

گرایش مرتع

گرایش مراتع منطقه، که نمایانگر وضعیت و نحوه بهره‌برداری از آنهاست، به‌روش ترازوی وزنی گرایش مورد بررسی قرار گرفته و نشان‌دهنده وسعت و شدت تخریب ناشی از چرای بی‌رویه و بیش از حد ظرفیت مرتع و نیز بوته‌کشی بسیار زیاد مراتع است؛ و البته خشکسالی‌های پی در پی چندین ساله در منطقه نیز بر شدت آن افزوده است. به‌طور کلی، گرایش در منطقه مورد مطالعه منفی یا پس‌رونده است به‌گونه‌ای که تقریباً تمام تیپ‌های گیاهی شناخته‌شده منطقه در معرض سیر قهقرایی و نابودی کامل است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶).

تولید مرتع

برای تعیین میزان تولید مرتع، از روش قطع و توزین استفاده شد، بدین ترتیب که بیست پلات ده متر مربعی در هر تیپ به‌طور تصادفی انتخاب شد و با قطع علوفه تولیدی و خشک کردن آن، میانگین میزان برداشت علوفه به‌دست آمد (جدول ۸).

جدول ۸- تعیین ظرفیت مرتع

تیپ	نام تیپ	مساحت (هکتار)	تولید در هکتار (کیلوگرم)	کل تولید (کیلوگرم)	میزان برداشت مجاز	تعداد واحدهای در ماه	ظرفیت در دوره (واحدهای)
۱	درمنه- بهوه شور	۸۶۸۵	۴۳	۳۷۳۴۵۵	۱۸۶۷۲۷/۵	۳۱۱۲	۷۷۸
۲	درمنه- قیچ- بهوه شور	۶۹۰۶۲	۱۷	۱۱۷۴۰۵۴	۵۸۷۰۲۷	۹۷۸۳/۸	۲۴۴۶
۳	درمنه- قیچ	۲۷۴۸۳	۱۴	۳۸۴۷۶۲	۱۹۲۳۸۱	۳۲۰۶/۴	۸۰۲
۴	اشنان- بهوه شور	۹۹۵۵	۱۵	۱۴۹۳۲۵	۷۴۶۶۲/۵	۱۲۴۴/۴	۳۱۱
۵	درمنه- بادام کوهی	۱۰۷۸۳	۲۵	۲۶۹۵۷۵	۱۳۴۷۸۷/۵	۲۲۴۶/۵	۵۶۱/۶
	جمع	۱۲۵۹۲۳	۲۲/۸	۲۳۵۱۱۷۱	۱۱۷۵۵۸۵	۱۹۵۹۳/۱	۴۸۹۸/۶

مأخذ: ابوالقاسمی، ۱۳۸۶

از آنجا که زمان شروع طرح پس از رشد گیاهان و خشک شدن آنها بود و از سویی، به دنبال خشکسالی‌های پی در پی چند ساله، برداشت آمار دقیق از پوشش و تولید گیاهی منطقه امکان‌پذیر نبود، باید حتماً در یک فصل مناسب رویش (فصل آمادگی مرتع) تولید منطقه را برداشت کرد و با اطمینان بیشتر، به ارزیابی مرتع پرداخت؛ با این همه، با توجه به اندازه‌گیری‌های به‌عمل آمده، تولید در اکثر مراتع منطقه در حد بسیار بسیار پایین است، چنان‌که شاید نتوان حتی این مناطق را مرتع دانست؛ چنین مناطقی بیشتر به گردشگاه دام‌ها شباهت دارند. به همین دلیل، معاونت امور دام استان برای حفظ دام‌های مولد دامداران این منطقه در ۱۳۸۵ به توزیع مقدار قابل توجهی جو پرداخت؛ و اگر این کمک نبود، شاید بیشتر دام‌های مولد از بین می‌رفت. با توجه به اطلاعات جدول ۸، میزان ظرفیت مجاز دام در این مراتع حدود ۴۹۰۰ واحد دامی است که در مقایسه با آن، دام موجود در این منطقه (جدول ۹) بیش از پنج برابر ظرفیت مراتع است.

تأثیر خشکسالی بر دام

بررسی تعداد دام طایفه طاهری طی سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷، و ۱۳۸۴ نشان می‌دهد که تعداد دام سبک (گوسفند و بز) از ۱۳۶۸۵ رأس در ۱۳۶۶ به ۶۳۵۵۷ رأس در ۱۳۷۷ و ۳۴۶۲۵ رأس در ۱۳۸۴ رسیده است؛ یعنی، علی‌رغم تخریب مراتع و خشکسالی‌های پیاپی، تعداد دام سبک در طول دوره ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۴ سه برابر شده است. افزایش تعداد دام طی سال‌های گذشته در شرایط محدودیت مراتع قشلاق و خشکسالی‌های طولانی کاهش توان تولید و در نتیجه، کاهش توان اقتصادی خانواده‌ها را موجب شده و از عوامل مهم مهاجرت بوده است. جدول ۹ تعداد دام طایفه طاهری را طی سال‌های مختلف نشان می‌دهد. همچنین، در محدوده مورد مطالعه، اکنون اثری از گاو و گوساله نیست، در حالی که در سال ۱۳۷۷ این‌گونه دام در منطقه وجود داشته است. همگی موارد یاد شده نشان‌دهنده کاهش شدید کیفیت و مقدار علوفه مراتع منطقه و در نتیجه، انگیزه مهاجرت و خروج از منطقه برای گذران زندگی است.

جدول ۹- تعداد دام طایفه طاهری طی سال‌های مختلف

نوع دام	۱۳۶۶	۱۳۷۷	۱۳۸۴
گوسفند و بره	۲۴۵۷	۲۹۶۳۸	۱۳۶۵۶
بز و بزغاله	۱۱۲۲۸	۳۳۹۱۹	۲۰۹۶۸
گاو و گوساله	۳	۶۰	-
شتر و بچه شتر	۲۰۳	۳۰۲	۱۹۸
الاغ و کره‌الاغ	۵۷	۲۹۳	۳۳۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸؛ و مدیریت جهاد

کشاورزی شهرستان طبس، ۱۳۸۴

بر اساس اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نوزده آبادی محل سکونت عشایر طایفه طاهری، به طور میانگین، هر خانوار دارای ۲۱ رأس گوسفند و بره، ۱۵۰ رأس بز و بزغاله، ۱/۵ نفر شتر، و ۷ قطعه طیور بوده‌اند. حداکثر تعداد گوسفند و بره یک خانواده صد رأس و حداقل آن یک رأس بوده است، و تنها ۵۱ درصد خانوارها گوسفند و بره داشته‌اند. حداکثر تعداد بز و بزغاله یک خانواده سی صد رأس و حداقل آن بیست رأس بوده است، و صد درصد خانواده‌ها دارای بز و بزغاله بوده‌اند. حداکثر تعداد شتر یک خانوار دوازده نفر و تنها هشت درصد خانواده‌ها دارای شتر بوده‌اند. حداکثر تعداد طیور یک خانوار سی قطعه و حداقل آن یک قطعه بوده است، و ۸۴ درصد خانوارها دارای طیور بوده‌اند. همچنین، بررسی تعداد و نوع دام خانوارهای طایفه طاهری نشان می‌دهد که تنها دامی که تمام خانوارها از آن برخوردارند، بز و بزغاله است. بر اساس بررسی نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های خانوار، میانگین تعداد دام هر خانوار نسبت به دوره پیش از خشکسالی (دوره پنج‌ساله) حداقل صد درصد کاهش یافته است (امامی، ۱۳۸۶). همچنین، بررسی آمار وزن دام‌های خریداری شده توسط مرکز پشتیبانی دام استان نشان می‌دهد که وزن دام‌های فروخته شده حداقل ده کیلوگرم کمتر از دام‌های پرورش یافته در شرایط معمولی و به دور از خشکسالی است؛ و نمونه‌گیری از گله‌های موجود خانوارهای عشایری نشان داد که وزن بزغاله‌ها نسبت به سن آنها حداقل چهار کیلوگرم کمتر از مقادیر مربوط به پرورش در شرایط معمولی است (وزن زنده بزغاله موجود در گله که سن آن بالغ بر نه تا ده ماه بود، در زمان برگشت از چرا، شش تا هفت کیلوگرم و وزن بزغاله هشت تا نه ماهه پنج تا شش کیلوگرم بود).

تأثیر خشکسالی بر درآمد

بررسی اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های خانوار نشان می‌دهد که شغل اصلی سرپرستان خانوار و فرزندان پسر آنها (پس از طی دوران دبستان) دامداری است. فعالیت اصلی زنان نیز نخست، خانه‌داری و سپس، کمک به فعالیت‌های دامداری و

تولید صنایع دستی از جمله چادر، گلیم و قالی برای مصرف خود و یا فروش در بازار است. از لحاظ اقتصادی، اتکای کامل خانواده‌ها به فعالیت دامداری آسیب‌پذیری آنها در هنگام وقوع خشکسالی و کاهش تولیدات دامی را موجب می‌شود.

پرورش بز

بر اساس بررسی تعداد و نوع دام خانوارهای طایفه طاهری، تنها دامی که تمام خانوارها از آن برخوردارند، بز و بزغاله است. با توجه به میانگین تعداد بز و بزغاله هر خانوار برابر با ۱۵۰ رأس، جدول ۱۰ نشان‌دهنده میانگین درآمد خالص خانوارهای عشایری از پرورش یک رأس بز است.

جدول ۱۰- درآمد خالص پرورش هر رأس بز مولد در یک سال زراعی (واحد: ریال)

شرح	قیمت واحد	هزینه	درآمد	درآمد خالص
خرید خوراک شامل ۴۵ کیلو گاه	۱۰۰۰	۴۵۰۰۰		
۶۰ کیلو جو	۲۰۰۰	۱۲۰۰۰۰		
فروش بزغاله از شیر گرفته شده با وزن زنده ۱۶-۱۸ کیلو و با ۵۰ درصد از شیرگیری	۱۸۰۰۰۰		۱۸۰۰۰۰	
فروش شیر از هر رأس ۳۵ کیلو	۴۰۰۰		۱۴۰۰۰۰	
اجاره پس‌چر و مرتع	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰		
جمع		۲۶۵۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۵۵۰۰۰

مأخذ: نتایج مطالعه

بر اساس این جدول، بدون احتساب هزینه‌های کارگری، دامپزشکی، بیمه، حمل و نقل، و سوخت زمستان، درآمد هر بهره‌بردار با چهار نفر عائله به‌طور متوسط، با برخورداری از ۱۵۰ رأس دام مولد، ۸۲۵۰۰۰۰ ریال است. هر چند، با بهبود وضعیت مراتع و یا یارانه خوراک دام، درآمد افزایش می‌یابد، ولی هزینه اولیه زندگی از این میزان درآمد نیز بسیار فراتر است.

پرورش گوسفند

بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های خانوار، تنها ۵۱ درصد از خانوارها به پرورش گوسفند می‌پرداختند، و میانگین تعداد گوسفند هر خانوار دارای این نوع دام ۴۳ رأس و کل خانوارها ۲۱ رأس بوده است. به علت تخریب مراتع قشلاق و پایین بودن کیفیت علوفه تولیدی این مراتع، تمام خانوارها به پرورش گوسفند مشغول نیستند. در حالی که بر اساس اطلاعات سرشماری عشایر کوچنده در ۱۳۷۷، ۵۳ درصد از دام سبک عشایر طایفه طاهری بز و بزغاله و ۴۷ درصد گوسفند و میش بوده، این میزان به ۷۵ درصد بز و بزغاله و ۲۵ درصد گوسفند و میش در ۱۳۸۴ رسیده است. محاسبه درآمد خالص پرورش گوسفند نشان می‌دهد که در حال حاضر، با توجه به کیفیت بد مراتع قشلاق و خوش خوراک‌تر بودن گوسفند نسبت به بز و همچنین، نبود درآمد از محل تولید شیر، میزان سودآوری گوسفند نیز مانند بز بسیار ناچیز است. محاسبه میانگین درآمد خالص پرورش گوسفند نیز مانند مورد بز انجام شده است؛ با این تفاوت که در این فعالیت، معمولاً تولید شیر برای فروش وجود ندارد و ترکیب علوفه مورد استفاده در تعلیف دستی مرغوب‌تر و البته گران‌تر است.

جدول ۱۱- درآمد خالص پرورش هر رأس گوسفند مولد در یک سال (واحد: ریال)

شرح	قیمت واحد	هزینه	درآمد	زیان خالص
خرید خوراک دام شامل: ۳۵ کیلوگرم کاه، ۷۰ کیلوگرم جو	۱۰۰۰ ۲۰۰۰	۳۵۰۰۰ ۱۴۰۰۰۰		
فروش بره از شیر گرفته شده با وزن زنده برابر ۲۲-۲۰ کیلوگرم و با ۵۰ درصد از شیرگیری	۲۴۰۰۰۰		۲۴۰۰۰۰	
اجاره چراگاه و مرتع	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰		
جمع		۲۷۵۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۳۵۰۰۰

مأخذ: نتایج مطالعه

بررسی نتایج مطالعه نشان می‌دهد که پرورش گوسفند در شرایط موجود منطقه سودآور نیست.

سایر فعالیت‌هایی که برخی از خانوارهای عشایری بدان می‌پردازند و از طریق آن، امرار معاش می‌کنند، عبارت‌اند از: پرورش شتر، و صنایع دستی. در اینجا، به ارائه توضیحاتی در زمینه سایر منابع درآمدی می‌پردازیم:

پرورش شتر

با توجه به اینکه تنها هشت درصد از خانوارهای مورد بررسی دارای دام شتر بوده‌اند و به‌طور کلی، خانوارهای دارای وضعیت مناسب‌تر اقتصادی نسبت به سایر خانوارها بدین فعالیت اشتغال دارند. بنابراین، نمی‌توان به پرورش شتر به‌مثابه یک فعالیت رایج در منطقه مورد مطالعه نگریست؛ با این همه، با محاسبه سودآوری این فعالیت، می‌توان راهنمایی مناسب برای انجام برنامه‌های توسعه در منطقه به‌دست داد. بدین منظور، سودآوری پرورش شتر در یک گله ده نفره، متناسب با وضعیت ضعیف مراتع و توانایی نسبی خانوارهای طایفه عشایری، بررسی شده است.

جدول ۱۲- خلاصه محاسبات تعیین درآمد خالص خانوارهای طایفه طاهری از پرورش شتر (گله ده نفره)

سود خالص	درآمد ناخالص		هزینه	
	مبلغ (ریال)	نوع درآمد	مبلغ (ریال)	نوع هزینه
	۹۳۰۰۰۰۰	فروش دام	۱۲۰۰۰۰۰	کارگری
			۹۳۰۰۰۰	خوراک دستی
			۲۰۰۰۰۰	دامپزشکی
۶۹۷۰۰۰۰	۹۳۰۰۰۰۰		۲۳۳۰۰۰۰	جمع

مأخذ: نتایج مطالعه

با توجه به اطلاعات جدول ۱۲، سود به دست آمده از پرورش شتر مناسب تر از پرورش گوسفند و بز است و می توان آن را در قالب برنامه ای برای کمک به اقتصاد خانوارهای طایفه طاهری پیشنهاد کرد.

صنایع دستی

بررسی اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه های خانوار نشان می دهد که به علت خشکسالی های پی در پی، تنها ۶۳/۵ درصد از خانوارها به تولید صنایع دستی برای عرضه به بازار و کسب درآمد می پردازند، در حالی که پیش از وقوع خشکسالی ها (دوره پنج ساله) و در مواقع مناسب بودن وضعیت تولیدات دامی، صد درصد خانوارها به تولید صنایع دستی می پرداختند. صنایع دستی تولیدی از نوع پستی، قالیچه و چادر است؛ چادرها بیشتر برای اقامت در بیلاق مورد استفاده قرار می گیرد، اما پستی و قالیچه برای عرضه به بازار تولید می شوند. به گفته خانوارهای تولیدکننده این محصولات، به علت افزایش قیمت مواد اولیه و نامناسب بودن قیمت فروش، این گونه محصولات چندان سودآور نیستند؛ برای نمونه، میانگین هزینه مواد اولیه برای تولید هر پستی ۱۵۰۰۰ تومان و میانگین قیمت فروش آن ۱۸۰۰۰ تومان است؛ یعنی، به ازای هر پستی ۳۰۰۰ تومان سود عاید خانوار می شود. با توجه به اینکه میانگین تولید پستی در خانوارهای تولیدکننده این محصول هشت عدد است، میانگین درآمد ۶۳/۵ درصد از خانوارهای طایفه طاهری از تولید پستی به ۲۴ هزار تومان در سال می رسد؛ همچنین، میانگین درآمد از تولید هر متر مربع قالیچه و گلیم ۵۰۰۰ تومان، و میانگین تولید قالیچه ۲/۲۵ متر مربع و گلیم نیز ۲/۲۵ متر مربع است. بنابراین، میانگین درآمد ۶۳/۵ درصد خانوارها از تولید قالیچه و گلیم ۲۵۰۰۰ هزار تومان در سال است. شایان یادآوری است که خانوارها، در صورت تولید این گونه صنایع دستی، معمولاً به تولید یک و یا دو نوع از آنها می پردازند. بررسی نتایج به دست آمده از پرسشنامه ها نشان می دهد که خشکسالی های پیوسته به کاهش تولیدات مواد اولیه مورد نیاز در صنایع دستی انجامیده

است، به گونه‌ای که به علت تغییر نسبت دام‌های سبک و افزایش تعداد بز، تولید مو و کرک در حد صفر بوده و به دنبال کاهش تعداد گوسفندان نیز تولید پشم که از مواد اولیه ضروری تولیدات صنایع دستی است، با کاهش چشمگیر مواجه شده و در مجموع، وقوع خشکسالی و نامناسب بودن بازار فروش این محصولات تأثیر منفی بر تولیدات آن داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج استخراج پرسشنامه‌های آبادی و خانوار، همگی نمایانگر پایین بودن سطح سواد، بهداشت و درمان، تغذیه، کیفیت آب آشامیدنی و نیز نامناسب بودن جاده‌های دسترسی به آبادی و نقاط مسکونی و نبود وسایل ارتباط جمعی در قشلاق است. محاسبه میانگین درآمد خالص خانوارهای طایفه طاهری از فعالیت‌های دامداری (پرورش بز) نشان می‌دهد که به طور کلی، با توجه به هزینه فرصت نیروی کار، این گونه فعالیت‌ها با درآمد ماهانه کمتر از ۷۵۰۰۰۰ ریال غیراقتصادی است. البته در صورت لحاظ نشدن هزینه فرصت نیروی کار، میانگین درآمد ماهانه هر خانوار چهار نفره به حدود هشتاد هزار تومان می‌رسد که با در نظر گرفتن سایر فعالیت‌های درآمدزا مانند پرورش گوسفند و تولید صنایع دستی، که البته شامل تمام خانوارها نمی‌شود، درآمد ماهانه‌ای حدود صد هزار تومان به دست می‌آید. این در حالی است که در ۱۳۸۴، متوسط مخارج سالانه یک خانوار روستایی بیش از دویست هزار تومان در ماه بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). به دیگر سخن، در ۱۳۸۵، خانوارهای طایفه طاهری با به‌کارگیری تمام توان و اعضای خانواده خود امکان تأمین هزینه‌های زندگی به اندازه خانوارهای روستایی در ۱۳۸۴ را نیز نداشته‌اند.

شاید پرسیده شود که با توجه به وضعیت اسفناک و ناراحت‌کننده درآمدی و شرایط زندگی خانوارهای طایفه طاهری، این افراد چگونه گذران زندگی می‌کنند؛ در پاسخ باید گفت که طی خشکسالی‌های چند سال گذشته، همواره این خانواده‌ها فقیرتر

شده‌اند و حداقل نیازهای زندگی آنها از طریق کاهش تعداد دام، دریافت وام و یا پیش‌فروش دام و فرآورده‌های لبنی تأمین شده است. پیداست که این وضعیت به مهاجرت تعدادی از این خانوارها و سکونت آنها در مناطق بیلاقی انجامیده است، به طوری که این افراد مهاجر از طریق انجام فعالیت‌های کشاورزی و کارگری امرار معاش می‌کنند و همچنان ارتباط با بستگان و آبادی خود در قشلاق و ییلاق را حفظ کرده‌اند؛ و چنانچه اقدامی مثبت در راستای رفع نیاز خانوارهای این طایفه صورت گیرد، تمایل به بازگشت دارند. از جمله شواهد وجود مهاجرت موقت، خالی از سکنه بودن حداقل دو آبادی از این آبادی‌ها در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۱ بود. ادامه وضعیت کنونی به گسترش فقر و تنگدستی، تخریب کامل مراتع قشلاق، تشدید مهاجرت به سایر مناطق و ایجاد مشکلات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مهاجرپذیر، و از بین رفتن تولیدات دامی و فرآورده‌های آن خواهد انجامید. در حال حاضر، نقش مهم عشایر منطقه، که کمتر مورد توجه مسئولان دولتی قرار گرفته، کمک به تأمین امنیت در عمق کویر لوت است که از مناطق عبور قاچاقچیان مواد مخدر به‌شمار می‌رود. با توجه به نتایج این تحقیق، برای کمک به حل مسائل و مشکلات اقتصادی-اجتماعی خانوارهای طایفه طاهری شهرستان طبس، اتخاذ تدابیری پیشنهاد شده که در پی، فهرستی از آن آمده است.

پیشنهادها

۱- با توجه به اینکه در حال حاضر، منبع اصلی درآمد این طایفه دامپروری است، بر اساس محاسبات اقتصادی در وضعیت موجود، با در نظر گرفتن امکانات کشاورزی موجود در هجده آبادی از نوزده آبادی مورد مطالعه، فعالیت دامداری به شیوه پروارپندی در منطقه سودآور نیست (در تمام آبادی‌های مورد مطالعه، تنها یک آبادی دارای چاه عمیق و امکانات نسبتاً مناسب کشاورزی برای تهیه علوفه مورد نیاز دام‌هاست). از این‌رو، برای جلوگیری از تخریب بیشتر مراتع، نخست، لازم

- است با جلب همکاری و موافقت اهالی آبادی‌ها نسبت به ممیزی و صدور پروانه چرا اقدام شود. انجام ممیزی به استفاده بهینه از مراتع و بلاش صاحبان چراگاه در حفظ و نگهداری آن می‌انجامد. همچنین، ممیزی مراتع ظرفیت نگهداری دام را محدود می‌کند و دامدار نیز بر حسب ظرفیت مرتع، به نگهداری از دام می‌پردازد؛ و سرانجام آنکه ممیزی در درازمدت به نفع عشایر خواهد بود؛
- ۲- بر اساس مشاهدات عینی و بررسی سطح زندگی خانوارهای طایفه عشایری، نیازهای حرارتی این خانوارها از طریق بوته‌کنی از مراتع صورت می‌گیرد. با اقدام به توزیع یارانه‌ای و به‌موقع فرآورده‌های نفتی و سوختی، روند تخریب مراتع کند خواهد شد. همچنین، با قرق کردن قسمت‌هایی از مراتع که به‌شدت تخریب شده است، می‌توان در آینده استفاده مجدد از آنها را میسر ساخت؛
- ۳- با توجه به مناسب بودن نسبی سودآوری پرورش شتر و نیاز به سرمایه‌گذاری در این فعالیت تولیدی، لازم است دستگاه‌های دولتی نسبت به ترویج آن و ارائه کمک‌ها و اعتبارات مورد نیاز در این زمینه اقدام کنند؛
- ۴- هم‌زمان با انجام اقداماتی مانند ممیزی، قرق، و صدور پروانه چرا برای حفظ و نگهداری مراتع موجود، با توجه به وضعیت منابع آب‌های زیرزمینی منطقه، می‌توان با احداث تنها چند واحد کشاورزی و دامداری نیز گزینه‌ای مناسب برای کاهش مشکلات اقتصادی-اجتماعی ساکنان منطقه را ارائه کرد. آبادی مشاع عبید نمونه‌ای موفق در این زمینه به‌شمار می‌رود. با تحقیق در زمینه منابع آب و خاک مناسب و تلفیق فعالیت‌های دامداری، زراعت و باغداری، می‌توان سکونت پایدار خانوارهای طایفه طاهری را تحقق بخشید. البته این گزینه از جهاتی دیگر نیز بسیار اهمیت دارد، زیرا صد درصد خانوارها به اسکان در قشلاق تمایل دارند و همگی در پاسخ به اینکه «چه انتظاری از مسئولان برای کمک به حل مشکلات خود دارند» حفر چاه و واگذاری زمین کشاورزی را خواستار شده‌اند. همچنین، محاسبه میانگین درآمد تولید محصولات کشاورزی در چهار آبادی دارای کشاورزی نشان

می‌دهد که علی‌رغم پایین بودن نسبی عملکرد و سطح آموزش کشاورزان، تولید این محصولات اقتصادی است. برای آموزش و ترویج فعالیت تلفیقی کشاورزی و دامپروری در منطقه مورد مطالعه، احیای مجدد چاه و زمین کشاورزی و اراضی مرتعی آبادی گود طاهری مؤثر خواهد بود؛

۵- بر اساس نتایج این مطالعه، ادامه اجرای طرح خرید دام داخلی توسط شرکت پشتیبانی دام و جلوگیری از سوء استفاده دلان و خریداران دام عشایر در سال‌های خشکسالی و نیز افزایش اعتبارات مربوط به خشکسالی در این مناطق و افزایش یارانه پرداختی و یا تحویل رایگان خوراک دام به خانوارهای این طایفه کمکی مؤثر به‌شمار می‌رود؛

۶- با آموزش نیروی کار جوان خانوارها در زمینه مهارت‌های فنی مورد نیاز جوامع شهری و روستایی برای کمک به اقتصاد خانواده در اوقات بیکاری، می‌توان در درازمدت به حل مشکلات این طایفه پرداخت، زیرا ظرفیت چرای دام مراتع قشلاق و ییلاق محدود است، و باید قسمتی از اشتغال نیروی کار به مهارت‌هایی غیر از دامپروری اختصاص یابد؛

۷- برای تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوص و ایجاد زمینه اشتغال مردان طایفه طاهری، می‌توان با شناسایی توان‌های اقتصادی منطقه از قبیل معادن و ارائه خدمات فنی و اعتباری از سوی سازمان‌های دولتی ذی‌ربط، به بهبود زندگی این طایفه و سکونت پایدار در منطقه کمک کرد؛

۸- بر اساس مشاهدات انجام‌شده در مناطق واقع در محدوده سیاسی استان خراسان رضوی و هم‌مرز با منطقه مورد مطالعه، در حال حاضر، منابع آب‌های زیرزمینی مشترک در حوضه آبریز با مجوز قانونی برداشت می‌شود؛ در شرایطی که در همین حال، برداشت از منابع آب واقع در محدوده استان یزد ممنوع است. بدین ترتیب، ادامه چنین وضعیتی به‌زیان عشایر منطقه خواهد بود؛ و از این‌رو، بر اساس نتایج مطالعه آب‌های زیرزمینی، باید نسبت به حفر چاه‌های آب کشاورزی اقدام کرد؛ و

۹- با تشکیل و راه‌اندازی اداره امور عشایر در شهرستان طبس و ترجیحاً در عشق‌آباد، می‌توان مسائل و مشکلات عشایر و جذب کمک‌های فنی و اعتباری از سازمان امور عشایر ایران را به‌گونه‌ای بهتر و مؤثرتر پیگیری کرد.

منابع

- ابوالقاسمی، محمد (۱۳۸۶)، *گزارش مطالعه وضعیت پوشش گیاهی مراتع عشایر شهرستان طبس*. یزد: مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- اداره آموزش و پرورش شهرستان طبس (۱۳۸۶)، *گزارش فعالیت‌های آموزش و پرورش در مناطق عشایری شهرستان طبس*. طبس: روابط عمومی اداره آموزش و پرورش شهرستان طبس.
- امامی، محمدعلی (۱۳۸۶)، *گزارش مطالعه وضعیت دامپروری عشایر شهرستان طبس*. یزد: مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- بخشی جهومی، آرمان (۱۳۸۶)، «آنالیز اقتصاد تولید و درآمد عشایر منطقه جازموریان شهرستان کهنوج». *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی و توسعه*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- توکلی، محمود (۱۳۸۶)، *گزارش مطالعه هواشناسی مراتع عشایر شهرستان طبس*. یزد: مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- دهقانیان، سیاوش و کهنسال، محمدرضا (۱۳۷۹)، «بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال هشتم، شماره ۲۹.
- رضوی، محمد (۱۳۷۹)، «اقتصاد خانوار عشایر ساکن در مراتع بیلاقی شمال شهرستان سمنان و نقش خیل در آن». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال هشتم، شماره ۳۱.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۴)، *جایگاه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عشایر کشور*. تهران: سازمان امور عشایر ایران.
- سالم، جلال (۱۳۸۶)، *گزارش مطالعه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عشایر شهرستان طبس*. یزد: مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- قنبری، یحیی (۱۳۸۰)، «اثرات اقتصادی و اجتماعی خشکسالی بر روی زندگی عشایر ایل قشقایی». *مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی بررسی راهکارهای مقابله با بحران آب*. زابل: دانشگاه زابل.

کفیل‌زاده، فرخ و اسماعیل‌زاده، علی (۱۳۸۱)، «اقتصاد تولید بخش عشایر کوچنده و اسکان‌یافته، مطالعه موردی ایل کرد». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال دهم، شماره ۳۸.

مختاری، داریوش و صالح، ایرج (۱۳۸۶)، «تحلیل ابعاد اقتصادی و اجتماعی خشکسالی و آثار آن بر خانوارهای روستایی در منطقه سیستان». *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی و توسعه*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان طبس (۱۳۸۴)، *گزارش معرفی طایفه‌های عشایری شهرستان طبس*. طبس: روابط عمومی مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان طبس.

مرکز آمار ایران (۱۳۶۷)، *گزارش نتایج سرشماری عشایر کوچنده ایران در سال ۱۳۶۶*. تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، *گزارش نتایج سرشماری عشایر کوچنده ایران در سال ۱۳۷۷*. تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *گزارش نتایج تفصیلی هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۸۴*. تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، *نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵*. تهران: مرکز آمار ایران.

مهدوی، مسعود، رضایی، پژمان و قدیری، مجتبی (۱۳۸۶)، «روستاهاى برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن در استان چهارمحال و بختیاری». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال ۱۰، شماره ۱.

نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۸۳)، «نقش عشایر در توسعه اقتصادی ایران». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال ۷، شماره ۴.

یزدانی، سعید و حق‌شنو، موژان (۱۳۸۶)، «مدیریت خشکسالی و ارائه راهکارهایی برای مقابله با آن». *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی و توسعه*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

Kanti, Paul K. (1998), "Coping mechanisms practiced by drought victims (1994-5) in Bangladesh". *Applied Geography*, 18 (4): 355-373.